

مرد آمارهای شفاف

یادی از دکتر عادل آذر، مشاور فقید رئیس جمهور و رئیس پیشین دیوان محاسبات کشور، به مناسبت زادروز او



آزاده چشمه سبزی نویسنده

رسیدگی به مناطق محروم می تواند به توسعه معنوی انسان ها بینجامد. محبوبیت آذر در میان همشهریان شب قدری بود که به او لقب «امیرکبیر ایلام» را داده بودند. نگاه عدالت جوینانه به ضمیمه سلامتی و پاک دستی، دوری از جناح بازی های سیاسی و تکیه بر تجربه و علم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی را در سال ۹۵ برای انتخاب او به ریاست دیوان محاسبات کشور ترغیب کرد زیرا خدمات شفاف او در سال های ۸۹ تا ۹۵ در قالب رئیس مرکز آمار ایران، بر همگان واضح و آشکار بود و می توانست با منصب حساس و دشوار ریاست دیوان محاسبات، در مقام حسابرسی دولت به خوبی عمل کند. دکتر عادل آذر در این جایگاه بی توجه به حواشی و فشار رسانه ای، در تلاش بود تا گزارش ها و مستندات خود را مبنی بر شفافیت بودجه های دولتی در صحن علنی مجلس ارائه دهد. به طور مثال

گزارش حسابرسی بودجه سال ۹۷ به نمایندگان مجلس و ارائه تخلفات در عملکرد ارز چهار هزار و دو بیست تومانی برای واردات کالاهای اساسی، از جمله گزارش های جنجالی و پرحاشیه او در دوران مسئولیتش بود. این گزارش که در ابتدا از سوی رئیس دولت رد شد، با انتشار بیانیه دکتر آذر در دفاع از گزارش تفریح بودجه ۹۷ به تکیه بر مستندات و تأکید بر صحت اطلاعات و مدارک ارائه شده سمت و سوی تازه ای یافت. در کارنامه دکتر آذر، این دست اقدامات (مثل گزارش حقوق های نجومی) کم نبود

و اقدامات فسادستیزانه او در دوره های گوناگون، ویژگی انکارناپذیر این چهره جسور در حوزه مدیریت به شمار می آمد. به همین سبب، خبر

همیشه به جوانان توصیه می کرد سال های اولیه جوانی را برای کسب علم و دانش غنیمت بدانند. نصیحتی که خود نیز از ابتدای دوره تحصیلات عالی به آن عمل کرد و به موجب آن از سال ۶۳ تا ۷۴ را به شکل پیوسته از مقطع کارشناسی مدیریت صنعتی (دانشگاه علامه طباطبائی) تا کارشناسی ارشد (دانشگاه تربیت مدرس) و بعدتر دکتری پژوهش های عملیاتی به سرانجام رساند و پس از آن نیز در سمت استاد دانشگاه و مؤلف کتب دانشگاهی، به خدمت علم و دانش درآمد. عمل گرایي او از حرف تا اجرا، بر تمام کسانی که او را می شناختند، اثبات شده بود. نشان جانبازی اش در سال های دفاع مقدس نیز حجت روشنی بر ادعای وطن دوستی اوست. سال ۱۳۸۲ با ورود به مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده حوزه جنوب ایلام (زادگاهش)، با خط مشی اعتدالی فارغ از افراط و تفریط، به وادی خدمت به خلق قدم نهاد تا اندیشه خود را مبنی بر افزایش رفاه مردم، به اجرا درآورد، زیرا معتقد بود

سوابق اجرایی

نماینده حوزه انتخابیه دهران، دره شهر و آبدانان در دوره هفتم مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، ریاست مرکز آمار ایران، رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، رئیس مرکز مطالعات مدیریت و بهره وری ایران، عضو هیئت امنای دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیئت علمی گروه مدیریت صنعتی دانشگاه تربیت مدرس و مدیر گروه رشته مدیریت صنعتی دانشگاه امام صادق^ع، رئیس مؤسسه علمی آموزشی و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی و مشاور رئیس جمهور در سال ۱۴۰۰ از جمله سوابق اجرایی اوست.

آثار

آمار و کاربرد آن در مدیریت، آمار و کاربرد آن در مدیریت (تحلیل آماری)، کاربرد تحلیل آماری چند متغیره در مدیریت، تحقیق در عملیات نرم، تصمیم گیری کاربردی، بودجه ریزی بخش عمومی، مفاهیم و نظریه ها، پارادایم های مدل سازی و اجرای بودجه ریزی بر مبنای عملکرد و مدل اجرایی نظام بودجه ریزی بر مبنای عملکرد در سازمان های خدماتی (بانکداری و بیمه) از جمله آثار علمی اوست.

پیشگفتار

از ثبات خوشحالم و از ثبات زیادی غصه دار



روزنامه نگار قلم چی

می کرده ولی همراه از دیدن پیامک واریز گروهی خوشحال می شده چون می توانسته قسط هایش را بدهد. می گفت غصه دارترین لحظه زندگی اش همان است. پولی می آید که خیلی زود می رود. دیگر نیست. نمی بینی اش. در هر صورت این جنگ و دعوا ی سالیان شب بود که چرا برای خودش کاری نکرده است. در واقع این حرف ها زمزمه نبود، غر بود، کلافگی بود. ملال بود حتی. خیلی خسته و بی پول و ناامید که می شد شروع می کرد به اینکه تباها شده و انگار این جور موقع ها آدم خواسته و عامدانه زل

می زند به گذشته و راهی که آمده را تماشا می کند، مثلاً یکی از دغدغه هایش این بود که سی سال بعد، اگر زنده باشد و کج و کوله نشده باشد و زبانش هنوز در کامش بچرخد و دخترش بیاید بپرسد جناب عالی چه ماجراجویی هایی داشتید و چقدر در زندگی تان ریسک کرده اید و حداقل دوتایش را تعریف کنید، او چه دارد برایش بگوید؟ داشت غصه سی سال بعد را می خورد. ولی مگر جز این بوده که ماجراهای جور کردن اقساط مختلف در همراه شبیه رد شدن از گردنه حیران است؟ اصلاً خود

در آیین

جوانمردی

بدانک جوانمردترین عیاران آن بود که او را از چند گونه هنر بود: یکی آنک دلیر و مردانه بود و شکیا به هر کاری و صادق الوعد و پاک دل و به کس زبان نکند و زبان خویش از بهر سود دوستان خویش روا دارد و از اسیران دست بکشد و بر بیچارگان ببخاشد و بدان را از بد کردن باز دارد و راست گوید و راست شنود و داد از تن خود بدهد و بر آن سفره که نان خورده باشد بد نکند و نیکی را بدی مکافات نکند و از زنان ننگ ندارد و بالا راحت بیند.

قابوس نامه/ باب چهل و چهارم/ در آیین جوانمردی

مناجات و حکایات

روایت یک قاب

خاطره ای از دوردست نزدیک



حبیب سجان نویسنده

حسن داشت کتبه های کنار دیوار پذیرایی را با پونز محکم می کرد. مهری دورتر ک ایستاده بود و مراقب بود که خط نصب کتبه کج نباشد. و هی می گفت: یکم بالا، بالاتر نه پایین تر، زیادی شد. حسن گفت: خط شاقول بنایی که نیست می داری تراز می کنی معماری اش کج نشه. پاهام درد گرفت روی نردبون. مادر با یک سینی چای از آن طرف رسید و گفت: بباین یه چایی بخورین، خستگی تون در بره بعد دوباره شروع کنید. مهرداد پای نردبان را ول کرد و دستاش را به هم کوبید و گفت: آخ چایی! دستت درست مادر جان! چای خونم پایین افتاده بود. حسن گفت: هیییی استاد، همون قدر که به فکر چای خونت هستی به فکر من هم این بالا باش، چرا نردبون رو ول کردی؟

مهرداد برگشت سمت نردبان و گفت: آخ ببخشید، بیا پایین تو هم به چای بزن بعدش خود مهری رو می فرستیم بالا که خط شاقولش رو هم صاف و تراز دربیاره. مهری گفت: می بینی مامان این پسرای بدجنست رو! مادر گفت: شوخی می کنن برادرات! هی شماها هم خجالت بکشین مردی گفتن ها! حالا دو دقیقه بالای نردبون بودید، کوه که نکندین. مادر چایی را گذاشت روی یک چهارپایه و بقیه هر کدام یک لیوان چای برداشتند. مادر گفت: یادتونه دو سال پیش اول ماه صفر رو؟ مهری گفت: وای آره! مراسم روی پشت بوم! حسن گفت: روزای عجیبی بود! کرونا و روزهای تلخش. مادر گفت: امیدوارم به حق این شب های عزیز دیگه همچین وضعیت یی نرکدره. مهرداد گفت: یادتونه وقتی خواستیم پشت بوم رو آماده

● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی

● صاحب امتیاز: سید میثم موسوی مهر

● مدیر مسئول: سید سجاد طلوع هاشمی

● نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱ دفتر مرکزی: ۳۷۲۸۸۸۱۱ - ۳۷۲۳۸۳۱۰

● نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰

● روابط عمومی: ۳۷۲۳۸۳۱۰

● شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۸۸۹

● سبیل پانزدهم ۱۴۰۲

● شهریور ۱۴۰۲

● ۱۱ صفر ۱۴۴۵

● شماره ۴۰۲۲

● ۲۸°

● ۱۶°

● ۴۳%

● ۲۶

● ۲۰

● ۲۲

● ۲۷

● ۱۸:۳۲:۵۱

● ۱۸:۰۵:۵۵

● ۱۸:۲۴:۴۱

● ۲۲:۴۸:۱۸

● ۰۳:۳۱:۴۴

● ۰۵:۰۰:۳۳

● ۲۸°

● ۱۶°

● ۴۳%

● ۲۶

● ۲۰

● ۲۲

● ۲۷

● ۱۸:۳۲:۵۱

● ۱۸:۰۵:۵۵

● ۱۸:۲۴:۴۱

● ۲۲:۴۸:۱۸

● ۰۳:۳۱:۴۴

● ۰۵:۰۰:۳۳

● ۲۸°

● ۱۶°

● ۴۳%

● ۲۶

● ۲۰

● ۲۲

● ۲۷

● ۱۸:۳۲:۵۱

● ۱۸:۰۵:۵۵

● ۱۸:۲۴:۴۱

● ۲۲:۴۸:۱۸

● ۰۳:۳۱:۴۴

● ۰۵:۰۰:۳۳

● ۲۸°

● ۱۶°

● ۴۳%

● ۲۶

● ۲۰

● ۲۲

● ۲۷

● ۱۸:۳۲:۵۱

● ۱۸:۰۵:۵۵

● ۱۸:۲۴:۴۱

● ۲۲:۴۸:۱۸

● ۰۳:۳۱:۴۴

● ۰۵:۰۰:۳۳

کارتون شهر



در یک قرن گذشته بیش از ۹۰ درصد بافت تاریخی مشهد به دلیل توسعه غیر اصولی تخریب شده است

محمود آزاد نیا

شوخی بی شوخی

بی دود!

چیه پسر جان. چیزی شده؟ مینه دیگه سیگار نکشید. براتون ضرر داره. می خواست بگوید: پسر جان توپول همین چوب شوری که برداشتی رو حساب کن و برو. به کار بقیه هم کار نداشته باش. اما چیزی نگفت. فقط کارت کشید و سیگار را برداشت و آمد بیرون. پسر بچه هم چوب شور به دست آمد بیرون. سوار دوچرخه کوچکش که بیرون مغازه گذاشته بود شد ولی حرکت نکرد. معلوم بود منتظر است ببیند مرد با بسته سیگار توی دستش چه می کند. مرد دلش نیامد توی ذوق پسر بچه بزند. همان طور که به پسر بچه نگاه می کرد، بسته سیگار را محکم توی مشتش فشار داد و مچاله کرد و انداخت توی سطل آشغال دم در مغازه. لبخندی روی لب پسرک نشست. به سرعت شروع کرد به رکاب زدن و دور شد. خواست برگردد داخل مغازه تا دوباره سیگار بخرد که دید یک نفر دیگر بیرون مغازه ایستاده و می خواهد بسته سیگارش را باز کند. بدون اینکه حواسش باشد به او و بسته سیگارش خیره شد. چیه آقا؟ چرا این طوری زل زدید به من. مانده بود چه جوابی بدهد. فقط به ذهنش رسید بگوید: سیگار نکشید، برای سلامتی تون ضرر داره. و به جای اینکه به داخل مغازه برگردد به سمت جمله بالا را قصد کرده بود بگوید، اما چون از دینب سیگار نکشیده بود، فقط گفت: از همون سیگار همیشگی، یک بسته! سیگار را که برداشت متوجه پسر بچه ای شد که کنارش ایستاده و به او زل زده است.



غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی

غلامرضا محمدی